



The Rhetorical Function of the Precession and Postponement of the Complement to 'Bima Ta'malun/Ya'malun' in the Qur'an based on Jurjani's Theory of Nazm"

Abolfazl Rezaei¹✉, Kourosh Fereydounpour² & Mohammad khalife Shushdari³

1 Associate professor of Arabic language and literator, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran. Email: t_A_Rezayi@sbu.ac.ir

2 PhD student of Arabic language and literature in Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: k_farydounpour@sbu.ac.ir

3 Professor Department of Arabic Language and Literature in Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m_khalifeh@sbu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	This study aims to elucidate the rhetorical function of the precedence and postponement of the complement to the phrase "bima ta'malun/ya'malun" in relation to the Divine Attributes in the Qur'an, drawing on Abd al-Qahir al-Jurjani's Theory of Nazm. The significance of this topic lies in the fact that, despite the centrality of this phenomenon in Arabic rhetoric, it is often treated merely as a grammatical rule, while its systematic semantic functions and its relationship to the Divine Attributes have not been independently and comparatively investigated. The study employs a comprehensive inductive approach to examine 51 instances in the relevant Qur'anic verses. Through a structural analysis of these instances, including 36 cases of precedence and 15 cases of postponement, two distinct semantic patterns were identified. In the "precedence of the complement" pattern, the rhetorical purpose centers on care and attention, with the predicates (Divine Attributes) being based on the self-evident premise of God's knowledge, thereby directing the addressee's attention to the significance of human action. In the "postponement of the complement" pattern, which results in the precedence of the predicate, the discourse shifts from general attention to the purpose of warning and threat, emphasizing the comprehensiveness and certainty of God's knowledge in admonitory contexts. The findings indicate that this structural duality does not alter the reality of Divine Knowledge; rather, it functions as a precise device for regulating the addressee's level of attention between the importance of human action and the power of Divine Knowledge. Thus, it provides a complementary interpretation of the Theory of Nazm by combining the general purpose of care and attention with the specific purpose of warning.
Article history: Received 2025 Oct 09 Received in revised form 2025 Nov 28 Accepted 2026 Feb 22 Published online 2026 Mar 25	
Keywords: Quranic Rhetoric, Precedence and Postponement, Al-Jurjani's Theory of Construction (Nazm), Divine Attributes, Bima Ta'malun/Ya'malun.	
Cite this article: Rezaei, A., & others, (2026)., The Rhetorical Function of the Precession and Postponement of the Complement to 'Bima Ta'malun/Ya'malun' in the Qur'an based on Jurjani's Theory of Nazm". <i>Arabic Prose Studies</i> , 3 (1). 71-95. DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2026.16912.1069	
	Publisher: University of Qom



الوظيفة البلاغية لتقديم وتأخير متعلق «بما تعملون-يعملون» في القرآن الكريم في ضوء نظرية النظم عند الجرجاني

ابوالفضل رضايي^١ , كوروش فريدون پور^٢  و محمد ابراهيم خليفه شوشري^٣ 

١ الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد بهشتي، طهران، ايران. البريد الإلكتروني: t_A_Rezayi@sbu.ac.ir

٢ طالب دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد بهشتي، طهران، ايران. البريد الإلكتروني: k_farydounpour@sbu.ac.ir

٣ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد بهشتي، طهران، ايران. البريد الإلكتروني: m_khalifeh@sbu.ac.ir

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تستهدف هذه الدراسة تبين الوظيفة البلاغية لبنية التقديم والتأخير لمتعلق عبارة «بما تعملون/ يعملون» بالنسبة إلى الصفات الإلهية في القرآن الكريم، وذلك بالاستناد إلى نظرية «النظم» عند عبد القاهر الجرجاني. وتكمن أهمية هذا الموضوع في أن هذه الظاهرة، رغم مركزيتها في البلاغة العربية، غالباً ما تُعالج بوصفها مجرد قاعدة نحوية، بينما لم يتم استقصاء وظائفها الدلالية المنهجية، ولا ارتباطها بالصفات الإلهية، دراسةً مستقلةً وقابلةً للمقارنة. وتعتمد الدراسة على منهج الاستقراء التام لـ ٥١ موضعاً من الآيات المذكورة. ومن خلال التحليل البنيوي لهذه المواضع، والتي شملت ٣٦ حالة تقديم و ١٥ حالة تأخير، تم استخراج نمطين دلاليين متميزين: في نمط «تقديم المتعلق»، يركز الغرض الكلامي على العناية والاهتمام، حيث تُبنى المسندات (الصفات الإلهية) على فرضية بديهية لعلم الله، مما يوجه ذهن المخاطب نحو أهمية فعل الإنسان. أما في نمط «تأخير المتعلق» الذي يفضي إلى تقديم المسند، فإن البنية الكلامية تتحول من الاهتمام العام إلى غرض الإنذار والوعيد، للتأكيد في السياقات التوبيخية على شمولية علم الله و يقينه. وتشير نتائج الدراسة إلى أن هذه الثنائية البنيوية لا تُحدث تغييراً في حقيقة العلم الإلهي، بل تعمل كأداة دقيقة لضبط مستوى انتباه المخاطب بين أهمية الفعل واقتدار العلم الإلهي، مما يقدم تفسيراً مكماً لنظرية النظم يجمع بين الإلهية، بما تعملون/ يعملون.
الكلمات الرئيسية:	البلاغة القرآنية، التقديم والتأخير، نظرية النظم للجرجاني، الصفات الإلهية، بما تعملون/ يعملون.

الاقباس: رضايي، ابوالفضل و زملاؤه. (١٤٠٥). «دراسة عناصر السرد في رواية حافة النسيان لأحمد علي الزين». بحوث في الشعر العربي، ٣ (١). صص:

<https://doi.org/10.22091/npa.2026.16912.1069>. ٧١-٩٥





کارکرد بلاغی تقدیم و تأخیر متعلق «بما تعملون - يعملون» در قرآن بر اساس نظریه نظم جرجانی

ابوالفضل رضایی^۱، کوروش فریدون پور^۲ و محمدابراهیم خلیف شوشتری^۳

۱ نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: t_A_Rezayi@sbu.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: k_farydounpour@sbu.ac.ir

۳ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: m_khalifeh@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۵ کلیدواژه‌ها: بلاغت قرآنی، تقدیم و تأخیر، نظریه نظم جرجانی، صفات خداوند، بما تعملون/يعملون.	پژوهش حاضر با هدف تبیین کارکرد بلاغی ساختار تقدیم و تأخیر متعلق «بما تعملون/يعملون» نسبت به صفات الهی در قرآن، با استناد به نظریه نظم جرجانی انجام شده است. علت انتخاب، از آن روست که این پدیده، به رغم اهمیت در بلاغت عربی، غالباً صرفاً به عنوان قاعده نحوی بازنموده شده و کارکرد معنایی نظاممند آن، به ویژه پیوند با صفات الهی، به شکل مستقل و مقایسه پذیر بررسی نگردیده است؛ از این منظر، موضوع با آراء جرجانی در تبیین «نظم» پیوند می یابد و شکاف پژوهشی موجود را هدف می گیرد. روش پژوهش، استقرای تام و پیمایش ۵۱ مورد از آیات مذکور است. با تحلیل ساختاری این موارد، شامل ۳۶ مورد تقدیم و ۱۵ مورد تأخیر، دو الگوی معنایی متمایز استخراج شد. در الگوی تقدیم متعلق، غرض کلامی بر عنایت و اهتمام استوار است که مسند (صفات الهی) را بر پایه فرض بدیهی علم الهی قرار می دهد و تمرکز ذهن مخاطب را بر اهمیت فعل انسان معطوف می سازد. در الگوی تأخیر متعلق که به تقدیم مسند می انجامد، ساختار کلام از اهتمام عمومی به سمت انذار و وعید متمایل می گردد تا در سیاق های توبیخی بر شمولیت و قطعیت علم الهی تأکید ورزد. یافته ها نشان می دهد این دوگانگی ساختاری نه تنها تغییری در حقیقت علم الهی ایجاد نمی کند، بلکه ابزاری دقیق برای تنظیم سطح توجه مخاطب میان اهمیت فعل و اقتدار علم الهی فراهم می آورد. این نتایج تبیینی مکمل از نظریه نظم به دست می دهد که در آن جابه جایی اجزاء، همزمان هم غرض عام اهتمام و هم غرض خاص سیاق انذار را در بر می گیرد.

استناد: رضایی، ابوالفضل و همکاران. (۱۴۰۵). «کارکرد بلاغی تقدیم و تأخیر متعلق «بما تعملون - يعملون» در قرآن بر اساس نظریه نظم جرجانی». نشر پژوهی عربی، ۳

(۱). صص: ۹۵-۷۱. <https://doi.org/10.22091/npa.2026.16912.1069>



(۱) مقدمه

در بلاغت قرآنی، چینش کلمات برآمده از نظمی هدفمند برای هدایت ذهن مخاطب است. در این چارچوب، سازوکار «تقدیم و تأخیر» نقشی بنیادین دارد که بر اساس نظریه «نظم» عبدالقاهر جرجانی، تقدم هر عنصر زبانی ناشی از اصل «اهتمام» است. این جابه‌جایی نحوی، پیوندی ناگسستنی با غرض معنایی دارد و در این پژوهش ذیل دو سطح تحلیل می‌شود: نخست، «اهتمام به متعلق» در ساختارهای عمل‌محور، و دوم، «اهتمام به مسند» برای مقاصدی چون حصر و دفع شک. این دوگانگی ساختاری، بازتاب‌دهنده شیوه تعامل وحی با انسان در دو ساحت محوری «عمل انسانی» و «علم مطلق الهی» است. این پژوهش بر تقاطع یکی از حیاتی‌ترین مباحث اعتقادی (صفات الهی) با یکی از ظریف‌ترین قواعد بلاغی (تقدیم و تأخیر) متمرکز است: **رابطه میان فعل انسان («...بها تعملون/یعملون...») و صفات معرفتی خداوند (علیم، خبیر، بصیر)**. این ساختار، یک تقابل یا توافق بنیادین را در خود مستتر دارد: آیا کلام ابتدا بر **محدودیت و مسئولیت فاعل** (انسان) تأکید می‌کند، یا بر **شمولیت و احاطه** خداوند؟!

پژوهشگران با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استخراج نظام‌مند ۵۱ مورد کاربرد (بر اساس تحلیل تفسیری و بلاغی)، در تلاشند تا نشان دهند که این تقدم و تأخر چگونه کارکردی متمایز در «عنایت به عمل» و «تهدید به علم» ایفا می‌کند. در نهایت، نتایج استخراج شده نشان می‌دهد که این دو ساختار، بر محدودیت‌ها یا قابلیت‌های نظریه «غرض عام» جرجانی در تحلیل این دسته از آیات فائق آمده و نظام معنایی یکپارچه‌ای را برای تمام ساختارهای «بها تعملون/یعملون» ارائه می‌دهد. این پژوهش در پی آن است که این ظرافت‌های بلاغی را از سطح تأملات جزئی مفسرین فراتر برده و به سطح یک قاعده تحلیلی در بلاغت قرآنی ارتقا دهد.

(۱-۱) سؤالات پژوهشی

مسئله اصلی این پژوهش، در پی کشف نظام معنایی حاکم بر گزینش ساختار نحوی در آیات قرآن کریم است که در آن‌ها رابطه میان عمل انسان و صفات معرفتی خداوند برقرار می‌شود. مسئله اصلی در دو پرسش محوری زیر خلاصه می‌شود:

پرسش اصلی؛ بر اساس نظریه اغراض بلاغی عبدالقاهر جرجانی، چه غرضی زمینه ساز تقدیم یا تأخیر عبارت «بها تعملون/یعملون» نسبت به صفات معرفتی خداوند (علیم، خبیر، بصیر) در قرآن کریم است؟
پرسش‌های فرعی:

۱. در مواردی که صفت الهی بر عبارت «بها تعملون/یعملون» مقدم یا مؤخر شده است، غرض بلاغی غالب چیست و این ساختار چه نسبتی با مفهوم «اهتمام» در نظریه جرجانی دارد؟
۲. آیا می‌توان با تحلیل این دو دسته، به یک الگوی مفهومی غالب دست یافت که رابطه میان علم مطلق الهی و عمل انسان را در ساختار بلاغی قرآن تبیین نماید؟

۱-۲) پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات بلاغی و تفسیری پیرامون تقدیم و تأخیر و صفات الهی نشان می‌دهد که این حوزه، اگرچه مورد توجه بوده، اما تحلیل نظام‌مند و کمی‌نگرانه مبتنی بر دوگانگی غرضی (اهتمام در برابر تهدید) در مورد این ساختار خاص، کمتر مورد اهتمام قرار گرفته است.

پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تبیین کیفی قاعده تقدیم و تأخیر نزد جرجانی و سیبویه پرداخته و فاقد تحلیل نظام‌مند دوگانگی «اهتمام و تهدید» در صفات الهی‌اند؛ پژوهش‌هایی مانند:

مقاله با عنوان «زیبایی شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر آیات قرآن» (۱۳۹۵)، رضا امانی و دیگران؛ طبق این مقاله یکی از وجوه اعجاز لفظی قرآن، همگونی و چینش کلمات است که در تقدیم و تأخیر نمود بیشتری دارد. در این پژوهش با بررسی فهرستی از آیات قرآن که دارای تقدیم و تأخیرند در صدد جستجو اغراض و اسرار چینش کلمات و تقدیم و تأخیر آیات قرآن و جنبه‌ها زیبایی‌شناسانه آن پرداخته است.

مقاله با عنوان «دلالت تقدیم و تأخیر در سیاق نفی و اثبات از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی» (۱۳۹۵)، محمدهادی مرادی و فاطمه کاظمی؛ مقاله حاضر، با تبیین معناگرایی جرجانی در سیاق‌های نفی و اثبات، قرابت تحلیلی آرای او را با اصول زبان‌شناسی نوین (همچون دستور زایا-گشتاری) اثبات کرده‌اند. این پژوهش با تأکید بر وحدت لفظ و معنا، ساختار کلام را نزد جرجانی تابعی از غرض متکلم و بافت زبانی معرفی می‌کند.

مقاله با عنوان «تقدیم و تأخیر الأسماء المزدوجة في القرآن الكريم و دورهما في دلالة الآيات» (۱۴۰۲)، داود معماری و دیگران؛ در این پژوهش سعی شده است تابه کشف اسرار و بیان معانی آیات شامل تقدیم و تأخیر در اسماء مزدوج قرآن پردازد. پس از بررسی مشخص شده که تقدیم و تأخیر در قرآن کریم برای مقصودی است که مقام و معنای الهی و سیاق قرآنی، آن را اقتضاء می‌کند و هر تقدیم و تأخیر در قرآن با درایت الهی همراه بوده است. تحلیل اصلی این پژوهش در مورد اسماء دوگانه قرآن است که کنار یکدیگر قرار گرفته است مانند: سماوات و ارض، جن و انس، لیل و نهار و....

این پژوهش با دو رویکرد «جامعیت آماری» (۵۱ مورد) و «تطبیق بنیادین» نظریه جرجانی، از مطالعات پیشین متمایز می‌شود. برخلاف رویکردهای کلی، این تحقیق خلأ تحلیل ساختاری عبارات‌های «بما تعملون/يعملون» در ترکیب با صفات الهی را پر کرده است. نقطه عزیمت این مطالعه، نه جابه‌جایی معمول مسند و مسندالیه، بلکه تحلیل جایگاه «متعلق» نسبت به مسند است؛ تمایزی که نشان می‌دهد چگونه نظام بلاغی قرآن، با تقدیم و تأخیر متعلق (مانند تفاوت ساختاری در «إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و «وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»)، بار معنایی تعامل میان «مسئولیت انسانی» و «علم مطلق الهی» را مدیریت می‌کند.

۲) چارچوب نظری

نظریه نظم در اندیشه عبدالقاهر جرجانی، فراتر از یک آرایه زبانی، نظام‌مندی معنایی و ساختاری در پیوند با قصد متکلم است. در این منظومه فکری، جایگاه هر جزء در جمله، نه بر پایه ضرورت‌های صوری، بلکه بر اساس غرض‌های بلاغی و جهت‌دهی به ذهن مخاطب تعیین می‌شود. از این منظر، هرگونه تغییر در ترتیب اجزای جمله، از جمله تقدیم و تأخیر،

همواره حامل معنایی افزون و ابزاری برای تنظیم اهتمام یا تأکید بر معنای مدنظر است که در ادامه بر آن تمرکز خواهد شد.

۲-۱) تقدیم و تأخیر

«تقدیم» از ریشه «قدم» به معنای پیش بردن و نهادن شیء در جایگاه مناسب است (ابن منظور، ج ۵: ۳۵۵۲) و در مقابل، «تأخیر» از ریشه «أخر» به معنای پس افتادن و دیر رسیدن است (فیروزآبادی، ۲۰۰۵: ۳۴۲؛ زمخشری، ۱۴۳۶ق: ۵۹۲). این دو واژه متضادند و وقوع تقدیم، وجوباً مستلزم تحقق تأخیر است. ابن فارس این اسلوب را از سنت‌های کلامی عرب می‌داند که طی آن، کلام در لفظ مقدم اما در معنا مؤخر (یا برعکس) ذکر می‌شود (ابن فارس، ۱۹۹۷م: ۱۸۹). این ویژگی گواهی بر فصاحت و تسلط اعراب بر دخل و تصرف در کلام است (ابن قیم جوزیه، بی‌تا: ۸۲)؛ بنابراین قرآن کریم نیز به عنوان عالی‌ترین متن عربی، از این قاعده مستثنی نیست.

اسلوب تقدیم و تأخیر در قرآن کاملاً تابع معنا و حکیمانه است؛ به گونه‌ای که هرگونه جابه‌جایی هرگز موجب فساد معنا نمی‌شود، بلکه خود معنا اقتضای وقوع آن را دارد (کوآز، ۱۳۸۶: ۲۸۸). ابن فارس این پدیده را از سنت‌های رایج کلامی عرب دانسته (ابن فارس، ۱۹۹۷م: ۱۸۹) که نشان‌دهنده قدرت فصاحت و تسلط متکلم بر دخل و تصرف در ساختار کلام است (ابن قیم جوزیه، بی‌تا: ۸۲). در نتیجه، این سازوکار بلاغی مبتنی بر تضاد معنایی تقدیم (ابن منظور، ج ۵: ۳۵۵۲) و تأخیر (فیروزآبادی، ۲۰۰۵: ۳۴۲؛ زمخشری، ۱۴۳۶ق: ۵۹۲)، به عنوان یکی از ارکان برجسته در اسالیب ادبی قرآن کریم شناخته می‌شود.

۲-۱-۱) تقدیم و تأخیر بلاغی

بحث تقدیم و تأخیر به عنوان یکی از ارکان محوری علم بلاغت، دلیلی بر توانمندی فصاحت و ملکه‌ی کلام در زبان عربی است. زرکشی آن را از زیباترین اسالیب دانسته که دل‌نشین‌ترین احساس را در فهم مخاطب ایجاد می‌کند (زرکشی، ۲۰۰۶م: ۷۷۰). این اسلوب عمدتاً در دو رکن اصلی جمله، یعنی مسند و مسند‌إلیه، و پس از آن در متعلقات فعل نظیر مفاعیل، حال و جار و مجرور تجلی می‌یابد (أبو حاقه، ۱۹۹۶م: ۹۹). در این پژوهش، تمرکز بر تبیین رابطه میان «عامل» (فعل یا اسم مشتق) و «معمول» (متعلق) است تا نشان داده شود که چگونه جابه‌جایی جایگاه این اجزاء، بر اساس اقتضای معنایی و حسن شکل کلام صورت می‌گیرد.

عبدالقاهر جرجانی (۴۰۵-۴۷۴ق) با رد تفکیک میان تقدیم با غرض و ساختاری، «نظم» را سیستمی منطقی می‌داند که هر جزء آن دارای وظیفه‌ای بلاغی برای تنظیم توجه مخاطب است (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۱۰ و ۱۱۱). سکاکی در «مفتاح العلوم» این رویکرد را با مفهوم «عنایت» تبیین کرده و با مثال «جاء رجل من أقصى المدينة» در مقابل «جاء من أقصى المدينة رجل»، تقدیم مجرور بر فاعل را نشانه‌ی عنایت ویژه‌ی متکلم می‌داند (سکاکی، ۱۹۸۷م: ۲۳۶-۲۳۸). بنابراین، حتی در مواردی که اجزاء کلام در جایگاه اصلی خود قرار دارند، هرگونه تقابل با ساختار مقدم‌گونه‌ی آن، بیانگر غرضی خاص است که تحلیل آن ضرورت دارد (صاوی جوینی، ۱۹۸۵م: ۳۲).

در مباحث بلاغی، تقدیم جار و مجرور غالباً با هدف «اختصاص» و «اهتمام» صورت می‌پذیرد (صاوی جوینی، ۱۹۸۵م: ۳۲؛ حسن عباس، ۱۹۹۷م: ۲۳۵-۲۳۷). سیویه نیز در «الکتاب» بر این باور است که متکلم، عنصری را که برایش مهم‌تر است مقدم می‌دارد، هرچند که در تقدیم و تأخیر، هر دو جزء از اهمیت برخوردارند (سیویه، ج ۱، ۱۹۸۸م: ۳۴). با

این حال، جرجانی معتقد است که غرض «اهتمام» به تنهایی با سخنگوی پیچیدگی‌های معنایی قرآن نیست. این پژوهش با استناد به همین دیدگاه‌های بلاغی، می‌کوشد تحلیل دقیق‌تری از این اسلوب در آیات حاوی «بما تعملون/يعملون» ارائه دهد تا مرز میان تقدیم صرفاً ساختاری و تقدیم غرض‌محور روشن گردد.

۲-۲) تقدیم و تأخیر از دید جرجانی

عبدالقاهر جرجانی، ملقب به «شیخ العربیه»، سرآمد نحو و بلاغت است (ابن انباری، ۱۹۵۹م: ۲۴۸؛ اتابکی، ج ۵، ۱۹۳۵م: ۱۰۸). آثار او، به‌ویژه «دلائل الإعجاز» و «اسرار البلاغه»، جامع‌ترین متون در تبیین پیوند میان نحو و بلاغت محسوب می‌شوند (کبری‌زاده، ج ۱، ۱۹۸۵م: ۱۶۶). جرجانی بر پایه «نظریه نظم»، مقوله‌ی تقدیم و تأخیر را از ارکان و اسرار بلاغت برشمرده است. او معتقد است این اسلوب، دامنه‌ای گسترده و فوایدی بی‌شمار دارد و دلیل اصلی دل‌نشینی و زیبایی کلام در ادبیات عرب و قرآن کریم است؛ چرا که تغییر جایگاه کلمات، لطایفی پنهان را آشکار می‌سازد که شنونده را مجذوب می‌کند (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۰۶).

اما تقدیم و تأخیر قرآن کریم با دیگر متون ادبی تفاوت بسزایی دارد؛ چرا که قرآن فصیح‌ترین الفاظ را در دقیق‌ترین مکان طبق نظم خاص و منحصر به فرد خود آورده است. الفاظ قرآن به متضمن معنایی والا است و کلمات را دقیق کنار یکدیگر چیده است از سخت تا آسان، صفت بزرگ تا کوچک و هرگز کتابی با نظم این چنینی پیدا نخواهد شد (باحاذق، ۱۹۹۸م: ۵۵-۵۶). طبق نظر جرجانی نظم قرآن در تألیف و چینش و پردازش کلام بسیار منحصر به فرد است. جرجانی غرض اصلی تقدیم و تأخیر را به دو دسته تقسیم می‌کند: در دسته اول که جرجانی آن را غرض اصلی بر می‌شمرد، بر دیدگاه معروف سیبویه تکیه و تأکید دارد که علت تقدیم را عنایت و اهمیت می‌داند (السدیس، ۱۴۳۷ق: ۲۴۶). این امر نشان‌دهنده تکمیل دیدگاه‌های پیشین و تکیه بر نحوین پیش از خود است. جرجانی منحصر بودن این غرض را برای تقدیم کافی ندانسته است (محمد اسماعیل، ۱۴۰۲: ۷۱). با این وصف، در غرض خاص خود نیز اغراض دیگری را ذکر می‌کند.

جرجانی در «دلائل الإعجاز»، تقدیم را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست، «تقدیم با نیت تأخیر» که همراه با تغییر در احکام نحوی و اعرابی است؛ و دوم، «تقدیمی که با نیت تأخیر نیست»، یعنی جابه‌جایی در رتبه کلمات بدون تغییر حکم اعرابی (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۰۶). این تفکیک برای تحلیل ساختارهایی نظیر «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» کلیدی است تا مشخص شود تقدیم متعلق بر مسند، چه کارکرد بلاغی‌ای دارد. بر این اساس و با توجه به آرای جرجانی، اغراض این تقدیم در ساختارهای خبری پژوهش شامل قصر، تقویت و تأکید، و تقریر خواهد بود (سدیس، ۱۴۳۷ق: ۲۴۸-۲۸۲).

تنبیه در اصل به معنای درخواست متکلم از مخاطب است که به او توجه داشته باشد (تونسلی، ۱۹۸۵م: ۸۷). جرجانی نیز تنبیه را با همین شیوه با تکیه بر آراء سیبویه نقل کرده و آن را برای عنایت امر مقدم می‌داند (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۴۵)، این غرض در واقع پوشش‌دهنده همان عنایت در غرض عام است.

تقریر در اصل به معنای اعتراف و اقرار امری از مخاطب است که از آن اطلاع دارد خواه ثبوتی خواه نفی آن (انصاری، ج ۱، ۱۴۲۱ق: ۹۵). این غرض در واقع اولین مورد ذکر شده جرجانی در دلائل الإعجاز پیرامون همزه استفهامی است.

جرجانی به صورت عام اسم مقدم بر فعل را در باب قصر می‌داند و افاده آن را تاکید و تقویت ذکر می‌کند و به اصطلاح «امری کاملاً روشن» بسنده می‌کند (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۲۸). آنچه از کلام جرجانی مشخص می‌شود آن است که وی در دلالات خود قصر را اخص از تاکید ذکر می‌کند به این ترتیب هر قصری تاکید است اما هر تاکیدی قصر نیست.

تقویت و تاکید نیز ذیل همان مبحث قصر ذکر شده اما جرجانی توضیح جدیدی برای آن می‌گوید:

«أَنْ لَا يَكُونَ الْقَصْدُ إِلَى الْفَاعِلِ عَلَى هَذَا الْمَعْنَى، وَلَكِنْ عَلَى أَنَّكَ أَرَدْتَ أَنْ تُحَقِّقَ عَلَى السَّامِعِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ، وَتَمَنَّعَهُ مِنَ الشَّكِّ، فَأَنْتَ لِدَلِيلِكَ تَبْدَأُ بِذِكْرِهِ، وَتُوقِعُهُ أَوَّلًا - وَمِنْ قَبْلِ أَنْ تَذْكُرَ الْفِعْلَ - فِي نَفْسِهِ، لِكَيْ تُبَاعِدَهُ بِذَلِكَ عَنِ الشُّبْهَةِ، وَتَمَنَّعَهُ مِنَ الْإِنْكَارِ، أَوْ مِنْ أَنْ يَظُنَّ بِكَ الْغَلَطَ أَوْ التَّزْيِيدَ». (جرجانی، ۲۰۰۰م: ۱۲۸ و ۱۲۹).

هدف از تقدیم متعلق (قبل از فعل)، تأکید بر وقوع عمل برای شنونده و رفع هر گونه شک، انکار یا گمان خطا از سوی اوست. با این توضیح یعنی تاکید و تقویت را به وسیله مقدم آوردن می‌توان ذکر کرد.

۳) داده‌کاوی آماری و معناشناسی اوصاف الهی در آیات مورد مطالعه

در قرآن کریم ۵۱ آیه با ساختار «...بما تعملون/يعملون...» وجود دارد که از این تعداد، ۳۶ آیه مطابق با نظم اصلی (تقدم مسند بر متعلق) و ۱۵ آیه دارای اسلوب تقدیم متعلق بر مسند هستند. این توزیع آماری نشان می‌دهد که اگرچه تقدم مسند، اصل و قاعده در این ساختار است، اما جابه‌جایی در ۳۰٪ موارد، صرفاً یک تغییر نحوی ساده نیست، بلکه برخاسته از استثناء غرضی در نظریه نظم است؛ به این معنا که تأخیر متعلق در این ۱۵ آیه، از یک نظم عادی فراتر رفته و با هدف «اهتمام» و برای ایجاد یک اثر بلاغی خاص (مانند تأکید یا جلب عنایت به عمل انسانی) صورت گرفته است. جداول (۱) و (۲) گسترده‌گی این آیات را با تفکیک شماره آیه و سوره نشان می‌دهند.

در این آیات چهار صفت خداوند ذکر شده است که عبارتند از: ۲۱ عدد واژه «خبیر»، ۱۹ عدد واژه «بصیر»، ۷ عدد واژه «علیم و اعلم»، و ۴ عدد واژه «محیط». برای بررسی دقیق جایگاه این آیات لاجرم باید معنای این چهار وصف مشخص شود.

لغاتی که در لفظ می‌آیند دال بر معنا می‌کنند. اما نکته مهم، اسلوب آن است. زبان عرب واسع ترین اسالیب زبانی را مانند ذکر و حذف، تقدیم و تاخیر و... را دارد لذا این اسالیب تاثیر مستقیم بر معنای لغات می‌گذارند (طیار، ۱۴۲۲ق: ۳۵). از این رو دانستن اصل واژه و اسلوب آن برای فهم معنا، امری مهم است. بیشتر این واژگان بر وزن فاعیل هستند. وزن فاعیل اسم مشتق است که دال بر ثبوت صاحب خود در هر حالتی دارد (یا قوت، ۱۹۹۹م: ۲۴۲). بیشتر این آیات بر این وزن هستند که نشان دهنده ذاتی بودن این اوصاف برای خداوند است.

«خبیر» به معنای آگاه و دانا است که اخص از «علیم» است (قریشی، ج ۲، ۱۳۹۶؛ ۲۲۰). در اصل «خبیر» یعنی خداوند متعال به جزئیات احوال موجودات و امور هستی و مصالح آنان باخبر است (طباطبائی، ج ۱۰، ۱۳۷۴: ۲۰۶). از همین منظر، انتخاب صفت «خبیر» در تقابل با سایر صفات الهی، بر پایه تناسب معنا شناختی با متعلق (اعمال) است؛ چرا که «بما تعملون» به فعالیت‌های انسانی اشاره دارد و صفت «خبیر» با توجه به معنای «آگاهی از جزئیات و ظرائف عمل»،

دقیق‌ترین صفت برای تبیین احاطه بر ریزه کاری‌های اعمال است؛ برخلاف صفاتی چون «حکیم» یا «قادر» که اگرچه بر خداوند اطلاق می‌شوند، اما پیوند معنایی مستقیمی با ماهیت بازخوانی و پایش جزئیات عمل ندارند.

«بصیر» در اصل یعنی بینش قلبی و قوی (اصفهانی، ۱۳۹۸: ۹۸). معنای «بصیر» در آیات قرآن یعنی ذو ابصار که در معنای مبصر است یعنی همه چیز را می‌بیند و چیزی بر او پوشیده نیست و کامل مشرف به همه چیز است (طبری، ج ۲، ۱۹۹۴م: ۶۸). پس دیدن و دانستن عمیق را «بصیر» می‌گویند.

علیم از «علم» می‌آید یعنی شناختن و یقین پیدا کردن به حقیقت در ذات یک چیز (نعال، ۱۴۲۹ق: ۵۳۷). پیشتر گفته شد که وزن فعل فعیل، دال بر ثبوت دائمی می‌کند؛ پس این آگاهی از حقیقت برای خداوند ثابت است. «محیط» از «حوط» می‌آید که در اصل به معنای احاطه کردن چیزی است (اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۶۱). لذا معنای «محیط» نسبت به دیگر معانی واسعتر است یعنی خبر، علیم و حافظ (ماوردی، ج ۲، بی تا: ۵۰۰ و ۵۰۱). این واژه در این ساختار چهار بار به کار رفته است که وسیع‌ترین آنها را شامل می‌شود.

۳-۱) بررسی آیات تقدیم متعلق «...بما تعملون/بما يعملون...»

از آنجایی که بررسی تک تک موارد این تقدیم از حوصله بحث خارج است، لذا به بررسی چند مورد و سپس تلخیص در جدول بسنده شده است.

در آیه ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/ ۱۱۰) خداوند در مورد اعمال مومنان سخن می‌گوید و به آنان دستور می‌دهد که دو کار انجام دهند: برپا داشتن نماز و پرداخت زکات؛ و به آنان یادآور می‌شود که هر چه کار خیر انجام می‌دهند خداوند آن را می‌داند. در این آیه بصیر بودن خداوند یعنی وی عالم به همه چیز است (آلوسی، ج ۱، ۱۹۹۴م: ۳۵۷).

در این ساختار، تقدم متعلق (بما تعملون) بر صفت (بصیر)، به معنای بدیهی انگاشتن صفت الهی یا تقلیل اهمیت آگاهی خداوند نیست؛ بلکه از منظر بلاغی، هدف از این نظم، «اهتمام» و «جلب عنایت» به خود عمل است. در واقع، با مقدم کردن متعلق، توجه مخاطب از صفت ثابت خداوند به سوی محتوای عمل معطوف می‌شود تا بر اهمیت انجام این کارها و پیوند مستقیم میان عمل و پاداش تأکید شود؛ به گونه‌ای که صفت الهی در اینجا در نقش تأکیدکننده و گواه بر وقوع آن عمل مقدم شده ظاهر می‌گردد.

آیه ﴿فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (بقره/ ۲۷۱) پیرامون پرداخت صدقات و شیوه و نوع پرداخت آن است، که اگر پوششیده بماند بهتر است. این در حالی است که طبق این آیه این امر واجب نیست (قرطبی، ج ۴، ۲۰۰۶م: ۳۵۹)، اما خداوند در این آیه امر بهتر را به انسان یادآوری می‌کند مبنی بر اینکه مخفی بودن پرداخت صدقه خیلی بهتر است.

با این توضیح «...بما تعملون...» بر «خبیر» مقدم شده است تا نشان دهد خداوند متعال آگاه کامل است و به همین علت از واژه «خبیر» استفاده شده است تا نشان دهد حتی صدقه مخفی شما را نیز خداوند می‌داند و هیچ چیز از وی

پوشیده نیست (طوسی، ج ۳، ۱۴۱۷ق: ۴۹۹). تقدیم در این آیه برای عنایت و اهتمام به عمل انسان است تا نشان دهد آنچه شما از پرداخت صدقه انجام می‌دهید، مهم‌تر است؛ زیرا «خیر» بودن خدا امری ذاتی برای وی محسوب می‌شود.

آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (مؤمنون/ ۵۱) درباره امری از جانب خداوند نسبت به پیامبران است اینکه خطاب به پیامبر اسلام یا دیگر پیامبران است، مورد اختلاف است؛ اما در نهایت این معنا را می‌رساند که این امر به تک تک پیامبران داده شده است (اندلسی، ج ۴، ۱۴۲۲م: ۱۴۶). در این آیه خداوند خطاب به پیامبران امر به انجام دو عمل را دارد: خوردن از پاک‌ها و انجام کارهای شایسته. واژه «علیم» نیز دال بر آگاهی و شناختی دارد که با سیاق سوره هماهنگ است چون خطاب، پیامبران است خداوند تنها دانستن را استفاده کرده است؛ زیرا پیامبران همگی هم از بصیر بودن و هم از علیم بودن خداوند آگاهی داشتند.

در این آیه «...بما تعملون...» بر «علیم» مقدم شده است تا عنایتی به انجام عمل صالح داشته باشد و با آن همخوان باشد زیرا پیشتر «كُلُوا طَيِّبَاتٍ» بر «اعملوا صالحاً» مقدم شده بود تا نشان دهد فعل صالح زمانی انجام می‌شود که لقمه حلال و پاک خورده شود (هرری شافعی، ج ۱۹، ۲۰۰۱م: ۸۱ و ۸۲)، یعنی عمل شما که از خوردن پاک‌ها سر می‌زند مهم است و خداوند نسبت به این عمل آگاه است.

آیه ﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (هود/ ۹۲) پیرامون گفت و گو حضرت شعیب با قبیله‌اش است که آنان به خاطر قبیله‌اش او را سنگسار نکردند و شعیب در فراز آخر این آیه می‌گوید: احاطه علم پروردگار من بیش از علم شما است و چیزی از او مخفی نمی‌ماند (طبری، ج ۴، ۱۹۹۴م: ۳۰۵). یعنی هم عدم ایمان شما را می‌داند و هم اینکه قصد داشتید مرا سنگسار کنید. برای همین در این آیه از واژه «محیط» استفاده کرده است.

در این آیه، تقدم «بما تعملون» بر «محیط» ناشی از اهتمام به اعمال مشرکان است تا نشان دهد هیچ تدبیری از حیطة نظارت الهی بیرون نیست. به تعبیر ابی‌السعود، این تقدم بیانگر آن است که کردار مخاطبان با وجود تمام مکرها تحت نظارت کامل خداست (ابی‌السعود، ج ۴، بی تا: ۲۳۶). این ساختار نه برای برتری عمل، بلکه جهت ایجاد «حصر و تهدید» است تا آشکار کند اعمال پنهانی نیز در دایره علم او قرار دارد. همچنین، ساختار صرفی واژه «محیط» بر استمرار و فعلیت احاطه الهی دلالت داشته و با تقدیم متعلق، قطعیت نظارت مستمر و فراگیر را برجسته می‌سازد.

در آیه ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (حدید/ ۴) خداوند در مورد قدرت خود پیرامون خلق آسمانها و زمین سخن می‌گوید و در مورد آگاهی آنچه در آسمانها و زمین وجود دارد بحث می‌کند و در فراز آخر آیه می‌فرماید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» که در این عبارت «...بما تعملون...» بر «بصیر» مقدم شده است. شیخ رازی در این باره می‌گوید:

«بدان که در این آیات، یک ترتیب شگفت‌انگیز وجود دارد. خداوند ابتدا با بیان «اوست اول و آخر، پیدا و پنهان» (هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن)، اثبات می‌کند که معبود تمام ممکنات و موجودات است. سپس، با بیان اینکه «اوست آنکه بر عرش، آسمانها و زمینها احاطه دارد»، جایگاه الوهیت او را نسبت به این عوالم مشخص می‌سازد. پس از آن، با این آیه که «و او هر کجا که باشید با شماست» (و هو معکم أينما كنتم)، همراهی

خود با ما را به واسطه قدرت و خلقتش بیان می‌کند؛ و این همراهی، به معنای آن است که او به ظواهر و بواطن (پیدا و پنهان) ما آگاه است. پس درباره کیفیت این ترتیب شگفت‌انگیز، تأمل کن.» (فخر رازی، ج ۲۹، ۱۹۸۱م: ۲۱۶).

از این سخن مشخص می‌شود که علت تقدیم «...بما تعملون...» برای اهتمام به اعمال انسان‌ها است که خداوند پیشتر درباره آن سخن گفته بود، که اول و آخر و ظاهر و باطن را می‌داند. خداوند متعال همه جا همراه انسان است و این همراهی صرفاً در جهت و بودن نیست بلکه تأویلی است از اینکه شاهد و ناظر کامل بر اعمال انسان است و برای همین سزااست که آنچه انسان از عمل دارد بر «بصیر» بودن خداوند مقدم شود.

همان‌طور که در جدول (۳) مشخص است، موضوع تمام آیاتی که در آنها «...بما تعملون/ يعملون...» بر «بصیر» و «خبیر» و...مقدم شده است، نوعی عمل است. در این آیات خداوند در مورد اعمالی که انسان‌ها انجام دادند و یا باید انجام دهند سخن گفته است و در فراز پایانی هر آیه اشاره کرده است که خداوند آگاهی کامل به اعمال دارد. اما آنچه آنان انجام می‌دهند، بر آگاهی خداوند مقدم است تا نشان از اهمیت عمل داشته باشد. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره طور می‌فرماید: ﴿كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ یعنی هر انسانی در گرو چیزی است که کسب کرده است و در قیامت و زمان حسابرسی این اعمال و اکتسابات انسان است که از وی بررسی می‌شود. با این توضیح غرض اصلی این تقدیم در قرآن عنایت و توجه است.

آنچه جرجانی پیرامون اغراض تقدیم در کتاب خود ذکر کرده بود در دو گروه قرار داشت: غرض عام و خاص؛ که این تقدیم تنها در حوزه غرض عام قرار دارد با این وصف که تنها هدف اصلی خداوند متعال در بیان این نوع ساختار اهتمام به فراز «...بما تعملون/ يعملون...» است. از سوی دیگر این تقدیم با سیاق آیات در هر سوره متناسب است. یعنی در آیاتی که فراز «...بما تعملون/ يعملون...» مقدم شده است پیش و پس آن نیز در مورد اعمال و کار انسان‌ها سخن گفته است.

۳-۲) بررسی آیات تأخیر مسند «...بما تعملون/ يعملون...»

آیه ﴿لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (آل عمران / ۱۵۳) در آیه ۱۵۳ آل عمران، خداوند شکست و نافرمانی مسلمانان در جنگ احد را یادآوری می‌کند (مغنیه، ۱۳۹۷: ۲۹۸). عبارت «وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» در این سیاق، تنبیهی برای اعمال و نیت پنهانی آنان است (اندلسی، ۱۹۹۳: ۹۲). برخلاف موارد پیشین، در اینجا ارکان کلام بر نظم طبیعی خود باقی مانده‌اند؛ اما این سکون ساختاری، خود حامل غرض تهدید است. بقای متعلق در جایگاه اصلی، بر استمرار و ثبات آگاهی فراگیر الهی دلالت دارد. این انتخاب نحوی، نشان می‌دهد که علم خداوند چنان بی‌واسطه و همیشگی است که حتی در ساختار عادی کلام نیز، هشداری قطعی برای مخاطب خطاکار ایجاد می‌کند تا از احاطه خدا گریزی نیابد.

آیه ﴿...بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۲۸) در مورد آن دسته از کافران و ظالمانی است که در حالت ظلم و کفر مردند و فرشتگان روح آنها را قبض کرده و این در حالی است که توبه نکردند و در همان حالت معصیت از

دنیا رفتند به همین دلیل مستحق عذاب هستند (طوسی، ج ۸، ۱۴۱۷ق: ۳۴۰-۳۴۱). پس محتوای اصلی این آیه کسانی را بازگو می‌کند که اعمال را انجام داده‌اند و اکنون زمان نشان دادن عاقبت و حسابرسی آنان است.

طبق این آیه آنان می‌گویند که ما آنگاه که در دنیا بودیم عمل بدی انجام ندادیم و در فراز آخر آیه خداوند یادآور می‌شود که اینگونه نیست و خدا به هر آنچه انجام می‌دهید آگاه است غرض اصلی عبارت «عَلِمَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» وعده و تهدید است (اندلسی، ج ۳، ۱۴۲۲ق: ۳۸۹). هرچند ساختار فعلی آیه (کنتم تعملون) بر پایه زمان ماضی و در قالب حکایت حال کافران است، اما از نظر معنایی، این آگاهی الهی به دلیل ماهیت کلی صفت «علیم»، بر تمام انسان‌ها شمول دارد و به عنوان یک قاعده همیشگی، پیام تهدید و هشدار را به همگان منتقل می‌کند.

آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (حجرات / ۱۸) بیان می‌دارد که هر آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد را خداوند می‌داند و چیزی از او پنهان نیست به همین ترتیب هر چه انسان از آشکار و پنهان نیز دارد را هم خداوند می‌داند و انسان قدرت مخفی کردن آن را ندارد (ابن سعود، ج ۸، بی تا: ۱۲۴-۱۲۵). در این آیه آگاهی واسع خداوند را نسبت به تمام جهان بیان کرده است.

در این آیه معنای تهدید و وعید وجود دارد با این توضیح که خداوند متعال می‌گوید بدانید خدا آگاه است یعنی «هو عالم بذلک لا یحتاج إلی أخبارکم» (ابن جوزی، ۲۰۰۲م: ۱۳۳۷). به همین علت است که خداوند در این آیه «بصیر» را مقدم ذکر کرده است تا تهدید و هشدار باشد برای انسان‌ها که آگاهی خداوند در تمام احوال وجود دارد.

از منظر تحلیل ساختارگرا، غرض تهدید در این آیه برخاسته از پیوند میان رتبه صفت و مقام بیان است؛ به گونه‌ای که پس از بیان علم مطلق الهی به غیب هستی (در صدر آیه)، بلافاصله صفت «بصیر» به همراه متعلق خود (بما تعملون) در جایگاه تأکیدی قرار می‌گیرد. در واقع، انتقال از «علم به غیب» به «بصیریت بر اعمال»، با هدف پیوند دادن آگاهی کلی الهی به جزئیات رفتاری انسان صورت گرفته است. در این نظم، قرارگیری صفت «بصیر» در پی ذکر علم به غیب، نشان می‌دهد که همان صورتی که بر نظام هستی حاکم است، بر ریزترین و پنهانی‌ترین اعمال انسانی نیز حاکم و احاطه‌گر است؛ همین انتقال از علم کلی به احاطه جزئی بر عمل، از منظر بلاغی، ساختار تهدید را تقویت کرده و به مخاطب هشدار می‌دهد که هیچ مرزی میان «غیب عالم» و «عمل او» برای آگاهی الهی وجود ندارد.

در آیه ﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (مائده / ۷۱) متعلق مؤخر از مسند و بالفعل «يعملون» به کار رفته است. در این آیه، تأخیر متعلق (بما يعملون) در پیوند با صفت «بصیر»، از منظر جرجانی برای ایجاد یک نظم پیوسته میان «علم الهی» و «واقعیت عمل» است. استفاده از فعل غایب (يعملون) نیز نشان می‌دهد که کلام از حالت مواجهه‌سازی (خطاب) فراتر رفته و به مقام «گزارش حقیقت» (غیبت) رسیده است؛ به گونه‌ای که تأخیر متعلق، ابتدا ذهن را بر «بصیرت مطلق خدا» متمرکز کرده و سپس با ارجاع به اعمال آن گروه، پیوندی ناگسستنی میان قدرت دید الهی و پنهانی نبودن اعمال آن‌ها برقرار می‌سازد.

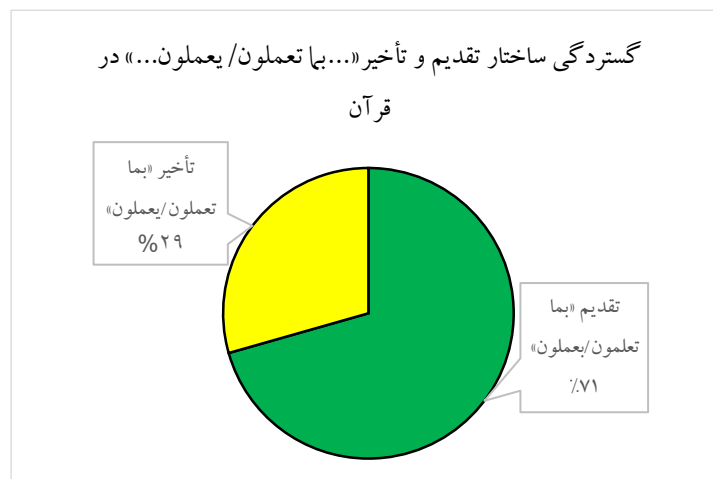
بررسی پانزده موردی جدول شماره (۴) که در آن‌ها صفت معرفتی خداوند (نظیر بصیر، خیر، علیم) بر عبارت فعلی «بما تعملون/ يعملون» تقدیم شده است، ما را به هسته اصلی الگوی معنایی دوم این پژوهش رهنمون می‌سازد. در

این ساختار، تأکید اولیه بر اطلاق و احاطه مطلق علم و آگاهی الهی است، نه لزوماً بر خود عمل به عنوان محور توجه فعلی.

به طور مثال، در آیات بقره/۹۶ و آل عمران/۱۵۳، تقدیم صفت (بَصِيرٌ/خَبِيرٌ) پیش از بیان اعمال انسان، با هدف برقراری یک مقدمه کلامی صورت گرفته است تا این نکته برجسته شود که هیچ عمل پنهان و آشکاری از ساحت علم خدا مستور نیست. این امر، پیش شرطی قاطع برای حکم نهایی است. در مورد سوره آل عمران/۱۵۳، آیه در سیاق نکوهش کسانی است که از فرمان پیامبر سرپیچی کردند؛ اینجا، آگاهی الهی (خبرت) نه صرفاً یک تو صیف، بلکه ابزاری برای اعتباربخشی به تهدید نهایی است. این ساختار از منظر بلاغی، با هدف برانگیختن خشیت (انذار) در مخاطب طراحی شده و دقیقاً با غرض خاص (تأدیب و کیفر) در نظریه جرجانی هم‌راستا می‌شود؛ زیرا غایت کلام، تنظیم سلوک مخاطب از طریق بیم‌دهی است.

تحلیل دقیق ۱۵ مورد نشان می‌دهد که میان «عنایت نحوی» و «غرض تهدید» پیوندی مستقیم وجود دارد؛ زیرا صفت معرفتی خداوند، بیانگر آگاهی مطلق اوست و در ساختار مبتنی بر اهتمام به عمل، به تأکید بر حسابرسی و مجازات می‌انجامد. از این رو، تهدید قرآنی نه برخاسته از خشم، بلکه لازمه حضور ناظر مطلق و خبیر است. در آیاتی مانند نحل/۲۸ و حجرات/۱۸، تقدیم صفت کارکردی توییخی دارد و رابطه انسان عامل با خداوند قاضی را آشکار می‌سازد. همچنین، در این ۵۱ مورد، ۴۲ مورد با فعل «تعلمون» و ۹ مورد با «يعملون» آمده است؛ غلبه خطاب، بر انذار مستقیم و مواجهه مخاطب با پیامد عمل دلالت دارد.

۳-۳) تحلیل نموداری



۱. تقسیم‌بندی واضح: نمودار به **دو بخش اصلی** تقسیم شده است:
۲. غلبه ۷۱ درصدی «تقدیم عمل» (۳۶ مورد) بر «تأخیر عمل» (۲۹ درصد/ ۱۵ مورد)، نشان می‌دهد پیش‌اندازی عمل الگوی غالب است؛ الگویی که بر پایه نظریه جرجانی با غرض «عنایت و اهتمام» شکل می‌گیرد. در مقابل، چینه‌پایه در ۲۹ درصد موارد، با استقرار صفت در صدر، انذار و تهدید ناشی از احاطه علمی الهی را افاده می‌کند.

۳. ارتباط با نظریه جرجانی: این نمودار به صورت شهودی نشان می‌دهد که ساختار «تقدیم عمل» که متمرکز بر مثبت‌اندیشی و تشویق به عمل صالح است، در قرآن کریم نسبت به ساختار تأکیدی مبتنی بر انذار، بسامد بالاتری دارد (تقریباً دو برابر). این یک یافته مهم است که نشان می‌دهد تمرکز قرآنی در این ساختار، بیشتر بر ترغیب فاعل به عمل مثبت است تا صرفاً بیم دادن او از عواقب منفی.

در اینجا سه دلیل بلاغی و محتوایی کلیدی برای برتری کمی الگوی «تقدیم عمل» ارائه می‌شود:

۱. اولویت هدایت بر توبیخ (اصل دعوت و ترغیب).

ساختار «تقدیم عمل» (عمل + صفت الهی)، در راستای هدف بنیادین قرآن برای تبیین جایگاه والای انسان طراحی شده است. در این الگوی خبری مثبت، با قرارگیری عمل فاعل در صدر کلام، ارزش کنش انسانی برجسته گشته و با تکیه بر صفت معرفتی الهی، مورد تأیید و اعتباربخشی قرار می‌گیرد.

۲. ماهیت عمل در سیاق‌های تشویقی

بخش اعظم آیاتی که صفت معرفتی در پی عمل می‌آید، در سیاق‌های تشویقی و توصیفی قرار دارند. در این موارد، تأکید بر ارتباط مستقیم میان تلاش (عمل) و علم مطلق خداوند به آن تلاش است. این یک قرارداد دوطرفه است که در آن، خدا خود را به عنوان شاهد مطلق و ناظر پاداش‌دهنده معرفی می‌کند. این نوع قراردادها به دلیل تکرار مفاهیم اخلاقی در قرآن، به طور طبیعی از موارد توبیخ انفرادی (که در ساختار تأخیری بیشتر دیده می‌شود) بسامد بالاتری دارند.

۳. کارکرد بلاغی «تهدید» به عنوان یک کارکرد ثانویه و مقطعی

توزیع آماری ساختارهای «بما تعملون/یعملون» نشان می‌دهد که ۷۱٪ موارد (۳۶ آیه) بر «تقدیم عمل» استوار است که بر غرض «اهتمام» به اعمال مکلفین تمرکز دارد؛ این الگو به مثابه موتور محرک جامعه ایمانی، مسئولیت را در چارچوب لطف الهی تثبیت می‌کند. در مقابل، ۲۹٪ موارد (۱۵ آیه) مربوط به «تأخیر عمل» است که معطوف به مقام «انذار» و ترسیم احاطه‌ی مطلق علمی خداوند است؛ جایی که صفت خبری با استقرار در جایگاه اصلی، بر اقتدار حسابرسی الهی تأکید می‌ورزد. این توزیع متناسب، نه تصادفی، بلکه تابعی هوشمندانه از «مقام خطاب» برای تنظیم تعادل میان ترغیب و تهدید است.

۴) نتیجه‌گیری

این پژوهش با تحلیل ۵۱ مورد قرآنی، نظام معنایی حاکم بر تقدیم و تأخیر در عبارت «بما تعملون/یعملون» و صفات معرفتی خداوند را کشف کرد. داده‌ها نشان می‌دهد این ساختار، ابزاری برای تنظیم تعادل میان دو محور «مسئولیت انسان» و «علم الهی» است. در ۳۶ مورد که متعلق (عبارت فعلی) بر صفت مقدم شده، غرض بلاغی «اهتمام» به اعمال مکلفین و ترغیب به عمل صالح است؛ ساختاری که بر مسئولیت انسان در چارچوب لطف و عنایت تأکید دارد. این جابه‌جایی نحوی، طبق نظریه نظم جرجانی، نه انحراف از قاعده، بلکه فعال‌سازی ظرفیت‌های معنایی متن برای مدیریت ارتباط با مخاطب در موقعیت‌های گوناگون است.

در برابر، در ۱۵ مورد که صفت الهی مقدم است، کلام بر اصل و ضعی خود باقی مانده تا با تکیه بر اقتدار آگاهی مطلق، غرض «انذار» و بازخواست محقق گردد. در اینجا، عدم عدول از رتبه، خود ابزاری بلاغی برای تثبیت قدرت قضاوت الهی در سیاق تهدید است. در مجموع، این الگوی مفهومی نشان می‌دهد که قرآن کریم با بهره‌گیری از

ظرفیت‌های نحوی، تعادلی میان «رابطه تشویقی» و «رابطه اندازی» برقرار می‌سازد. این نظام، نه تنها شاهدهی بر اعجاز بلاغی قرآن است، بلکه به عنوان قاعده‌ای تحلیلی در امتداد نظریه نظم جرجانی برای تبیین تمامی ساختارهای مشابه قابل بهره‌برداری است.

پیوست

جدول (۱): آیات تقدیم «بما تعملون/ يعملون» در قرآن

سوره	آیات (تقدیم «بما تعملون/ يعملون»)
بقره	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾
بقره	وَأِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾
بقره	فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾
بقره	أَوْ يَعْمُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾
بقره	..الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُضِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾
بقره	إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤَثِّرُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾
بقره	كَاتِبًا فَرَهَا مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمَ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾
آل عمران	وَأِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾
آل عمران	لَوْ كُنَّا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾
آل عمران	سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾
نساء	... فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾
نساء	يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾
نساء	يُضِلُّهَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

سوره	آیات (تقدیم «بما تعملون/يعملون»)
نساء	... فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾
أنفال	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ اللَّهِ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾
أنفال	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾
أنفال	وَأِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾
هود	قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ أُعْزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾
هود	وَأِنْ كَلَّمَا لِمَا لِيُوقِينَهِمْ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾
هود	فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾
مؤمنون	يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾
نور	فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾
لقمان	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾
احزاب	وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٢﴾
احزاب	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾
سبا	أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرَ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾
فصلت	إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾
فتح	...قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾
فتح	وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾
حديد	وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾
حديد	مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتِلُوا وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾
مجادله	وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾

سوره	آیات (تقدیم «بما تعملون/يعملون»)
مجادله	 وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرَفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾
ممتحنه	لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾
تغابن	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾
تغابن	فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٨﴾

جدول (۲): آیات تأخیر «بما تعملون/يعملون» در قرآن

سوره	آیات (تأخیر «بما تعملون/يعملون»)
بقره	وَلَيَجِدُنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنْ الَّذِينَ أُشْرِكُوا يَوْمَ ذَلِكَ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَّزِحٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾
آل عمران	وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾
آل عمران	هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾
مائدة	 قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾
مائدة	وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمَّوْا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾
توبة	 الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
يوسف	وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾
نحل	الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾
حج	وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾
نور	وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْنَاهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

سوره	آیات (تأخیر «با تعملون/ يعملون»)
شعراء	قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾
حجرات	إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾
مجادله	... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾
حشر	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾
منافقون	وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

جدول (۳): آیات تقدم متعلق بر مسند در قرآن به تفکیک موضوع و غرض تقدیم

غرض	موضوع	سوره	آیات (تقدیم «با تعملون/ يعملون»)
عنایت و اهتمام	خواندن نماز و پرداخت زکات و انجام کار خیر	بقره	إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾
عنایت و اهتمام	شیر دادن فرزندان، پرداخت نفقه، شرایط گرفتن دایه	بقره	أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾
عنایت و اهتمام	شرایط نگه داشتن عده برای ازدواج مجدد	بقره	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾
عنایت و اهتمام	شرایط طلاق و پرداخت مهر	بقره	إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾
عنایت و اهتمام	انفاق اموال در راه خدا	بقره	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾
عنایت و اهتمام	پرداخت صدقات در آشکار و پنهان	بقره	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾
عنایت و اهتمام	مسائل حقوقی و تنظیم سند بدهی	بقره	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾
عنایت و اهتمام	امر بر صبر و تقوا	آل عمران	إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾

آیات (تقدیم «بیا تعملون/ يعملون»)	سوره	موضوع	غرض
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾	آل عمران	هشدار برای انجام ندان کارها مانند کافران در مورد القائات مسموم جنگک أحد	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾	آل عمران	مذمت بخل	عنایت و اهتمام
إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾	نساء	امر به واریسی هنگام قدم گذاشتن در راه خدا و پذیرفتن کسی که اسلام آورده	عنایت و اهتمام
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (١٠٨)	نساء	پنهان کردن خیانت از مردم در حالی که خدا با آنان است	عنایت و اهتمام
فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾	نساء	حکم مردی که از وظایف خود نسبت به همسر سرپیچی میکند	عنایت و اهتمام
فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾	نساء	دستور برای برپایی عدالت و عادل بودن	عنایت و اهتمام
فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾	انفال	باز ایستادن کفار از کفر و جنگک	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾	انفال	امر بر نبودن مانند ریاکاران و بازدارندگان از راه خدا	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾	انفال	مهاجرت و جهاد با مال و جان	عنایت و اهتمام
إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾	هود	مذمت قوم شعیب برای نیت سنگسار کردن او	عنایت و اهتمام
إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾	هود	جزای وافی به انسان طبق اعمال	عنایت و اهتمام
إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾	هود	استوار بودن و سرکشی نکردن	عنایت و اهتمام
إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾	مؤمنون	دستور به پیامبران بر خوردن پاکی‌ها و انجام کار صالح	عنایت و اهتمام

آیات (تقدیم «بِا تَعْمَلُونَ/ یَعْمَلُونَ»)	سوره	موضوع	غرض
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۸﴾	نور	ورود با اجازه به خانه	عنایت و اهتمام
وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۲۹﴾	لقمان	خلق منظم جهان و آماده کردن آن برای انجام عمل انسان	عنایت و اهتمام
إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۲﴾	احزاب	امر به پیامبر مبنی بر تبعیت از وحی	عنایت و اهتمام
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿۹﴾	احزاب	امر بر یادآوری نعمت خداوند	عنایت و اهتمام
إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾	سبأ	امر بر ساخت زره توسط داود و انجام کار صالح توسط همگان	عنایت و اهتمام
إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴۰﴾	فصلت	نهی از انجام عمل بد که سرانجام آن آتش است	عنایت و اهتمام
كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۱﴾	فتح	بهانه آوردن اعراب برای نرفتن به جنگ و که دل و زبان آنها یکی نبود	عنایت و اهتمام
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿۲۴﴾	فتح	اقدامات لازم برای صلح حدیبیه	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴﴾	حدید	خلق آسمانها و زمین توسط خداوند و همراهی او کنار انسان (که در زمین عمل صالح انجام دهد)	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۰﴾	حدید	مذمت عدم انفاق	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۳﴾	مجادله	پرداخت کفاره توسط مردی که خواستار بازگشت به همسر خویش پس از عمل ظهار است	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۱﴾	مجادله	آداب نشستن و برخاستن در مجلس	عنایت و اهتمام

آیات (تقدیم «بما تعملون/ يعملون»)	سوره	موضوع	غرض
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾	ممتحنه	ابطال سود خویشاوند و فرزند در روز قیامت (گرو بودن انسان در اعمال خودش)	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾	تغابن	خلق خدا و اینکه گروهی مسلمان شدن و گروهی کافر (به سبب اعمال)	عنایت و اهتمام
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٨﴾	تغابن	دستور بر ایمان به خدا و رسولش و نور (قرآن)	عنایت و اهتمام

جدول (۴): آیات تأخیر متعلق از مسند در قرآن به تفکیک موضوع و غرض تأخیر

آیات (تأخیر «بما تعملون/ يعملون»)	سوره	موضوع	غرض
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾	بقره	خطاب به پیامبر: یهود حریص ترین مردم به دنیا است حتی اگر عمر دراز هم کند در هر حال عذاب برایش است	عنایت و تهدید
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾	آل عمران	سرپیچی از فرمان پیامبر و مستوجب غم شدن و شکست در جنگ احد	انذار و تحذیر
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾	آل عمران	مقایسه کسی که رضایت خدا را میجوید و کسی که دنبال خشم خداست	عنایت و تهدید
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾	مائده	عدالت ورزی در همه حال ^۱	ترغیب همراه با مراقبت
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾	مائده	غرور و خود برتری بینی یهود از اینکه آزمونی برای آنها نیست	عنایت و تهدید
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾	توبه	دانستن خدا مبنی بر اینکه برخی جهاد کردند و همرازی جزء خدا و رسول و مؤمنین نگرفتند	عنایت و تهدید

۱. عدالت عملی درونی و در نیت انسان محسوب میشود و توسط دیگر انسانها محسوس نیست لذا «خبیر» بر «بما تعملون» مقدم شده است تا تهدید باشد بر اینکه خدا می بیند و می داند.

آیات (تأخیر «بِما تعملون/ يعملون»)	سوره	موضوع	غرض
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾	یوسف	پنهان کردن حضرت یوسف به عنوان یک کالا	عنایت و تهدید
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۸﴾	نحل	کسانی که در حال ظلم به خویش جانشان گرفته شد و گفتند ما بدی نکردیم	توبیخ و رد ادعا
اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۶۸﴾	حج	کسانی که در مورد هدایت با پیامبر مجادله کردند	عنایت و تهدید
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۵۳﴾	نور	سوگند خوردن برای جهاد اصل نیست بلکه اصل عمل است	عنایت و تهدید
رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸۸﴾	شعراء	بهانه آوردن برای شعیب نسبت به عدم ایمان	عنایت و تهدید
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾	حجرات	منت گذاشتن برای اسلام آوردن	عنایت و تهدید
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾	مجادله	ترس از پرداخت صدقه برای سخن گفتن با پیامبر و جاگزینی این کار با نماز و زکات و اطاعت توسط خدا	عنایت و تهدید
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾	حشر	نگریستن هر نفس به آنچه پیش فرستاده است برای فردا	ترغیب همراه با مراقبت
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾	منافقون	تأخیر ندادن آجل یک نفس توسط خدا	عنایت و تهدید

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن الأثباري، عبدالرحمان بن محمد (۱۹۵۹م)، نزهة الألباء في طبقات الأدباء، بغداد: المعارف.

ابن جوزي، علی بن محمد (۲۰۰۲م)، زاد المسیر فی علم التفسیر، ط۱، بیروت: دار ابن حزم.

ابن فارس، أحمد (۱۹۹۷م)، الصحاحی فی فقه اللغة العربیة و مسائلها و سنن العرب فی کلامها، ط۱، بیروت: دارالکتب الإسلامیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم (د.تا)، لسان العرب، ط۱، قاهره: دارالمعارف.

أبو سعود، محمد العمادی (د.تا)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

- أبو حاقه، أحمد (۱۹۹۶م)، البلاغة والتحليل الأدبي، ط ۳، بیروت: دار العلم للملایین.
- أتا بکی، جمال الدین (۱۹۳۵)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، قاهره: دارالکتب المصریة.
- اصفهانى، راعب (۱۳۹۸ش)، مفردات قرآن، ترجمه: محمد بندرریگی و دیگران، چ ۱، تهران: اسلامى.
- الکوسی، محمود بن عبدالله (۱۹۹۴م)، روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم و سبغ مثانی، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الأندلسی، ابن عطیة (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الأندلسی، أبو حیان (۱۹۹۳م)، تفسیر البحر المحیط، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الأنصاری، ابن هشام (۱۴۲۱ق)، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، ط ۱، کویت: المجلس الطنی للثقافة.
- الجوزیة، ابن قیم (د. تا)، الفوائد المشوق إلى علوم القرآن و علم البیان، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- امانی، رضا و دیگران (۱۳۹۵)، زیبایی شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر آیات قرآن، همایش ملی اعجاز قرآن کریم.
- باحاذق، عمر بن محمد عمر (۱۹۹۸م)، شرح الرسالة الشافیه فی إعجاز القرآن الکریم، ط ۱، بیروت: دار المأمون للتراث.
- تونسى، زین العابدین (۱۹۸۵م)، المعجم فی النحو والصرف، چ ۴، بی جا.
- جونی، مصطفی الصاوی (۱۹۸۵م)، البلاغة العربیة تأصیل و التجدید، قاهره: دارالمعارف.
- الجرجانی، عبدالقاهر (۲۰۰۰م)، دلائل الإعجاز، ط ۳، قاهره: مکتبة خانجی.
- حسن عباس، فضل (۱۹۹۷م)، البلاغة فنونها و أفنانها، ط ۴، اردن: دارالفرقان.
- الزحشری، محمود بن عمر (۱۴۳۴ق)، أساس البلاغة، ط ۱، قم: ذوی القربی.
- الزركشي، بدرالدین (۲۰۰۶م)، البرهان فی علوم القرآن، قاهره: دارالحديث.
- السکاکي، أبو یعقوب یوسف بن أبي بکر (۱۹۸۷م)، مفتاح العلوم، ط ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سیبویه، أبوبشر عمرو بن عثمان (۱۹۸۸م)، الکتاب، ط ۳، قاهره: مکتبة الخانجی.
- سدیس، أحمد بن صالح (۱۴۳۷ق)، التقدیم و التأخیر عند عبدالقاهر جرجانی فی کتابیه الأسرار و الدلائل، مجلة علوم العربیة، العدد ۳۹، جامعة محمد بن سعود الإسلامية، مملكة العربیة السعودیة.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: اسلامى.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۹۴م)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ط ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- طیار، مساعد بن سلیمان (۱۴۲۲م)، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم، ط ۱، مملكة العربیة: دار ابن جوزي.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- فخر رازی، محمد (۱۹۸۱م)، تفسیر کبیر، چ ۲۹، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- الفیروز آبادي، محمد بن یعقوب (۲۰۰۵م)، القاموس المحیط، ط ۸، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- قرطبي، محمد بن أحمد (۲۰۰۶م)، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- قريشي، علی اکبر (۱۳۹۶ش)، قاموس قرآن، ط ۱۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کبری زاده، طاش (۱۹۸۵م)، مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- کواز، محمد کریم (۱۳۸۶)، سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه: سیدحسین سیدی، چ ۱، تهران: سخن.
- ماوردي، علي بن محمد (د. تا)، النکت والعیون، چ ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- محمد إسماعیل، إسماعیل محمد أنور (۱۴۰۲)، از سیبویه تا عبدالقاهر جرجانی، ترجمه: میثم کریمی و زاهد شاد، چ ۱، تهران: نگاه معاصر.

- مرادی، محمدهادی و فاطمه کاظمی (۱۳۹۵)، دلالت تقدیم و تأخیر در سیاق نفی و اثبات از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی، مجله پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۹.
- معماری، داود و دیگران (۱۴۰۲)، تقدیم و تأخیر الأسماء المزدوجة في القرآن الكريم و دورهما في دلالة الآيات، مجله مطالعات ادب اسلامی، دانشگاه کردستان، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۳۷.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۷)، تفسیر کاشف، ترجمه: موسی دانش، ط ۴، قم: بوستان کتاب.
- نعال، مختار فوزی (۱۴۲۹ق)، موسوعة لالفاظ القرآنية، ط ۱، قم: دارالعلم.
- هرری شافعی، محمد الّامین (۲۰۰۱م)، تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روای علوم القرآن، ط ۱، بیروت: دار طوق النجاة.
- یاقوت، محمود سلیمان (۱۹۹۱م)، الصرف التعليمي والتطبیق فی القرآن الكريم، ط ۱، کویت: مكتبة المزار الإسلامية.

References

- The Holy Qur'an.*
- Al-Alusi, M. (1994). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim wa al-Sab' al-Mathani* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Ibn Manzur, M. (n.d.). *Lisan al-Arab* (1st ed.). Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Al-Andalusi, Ibn Atiyyah (2001/1422 AH). *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Al-Andalusi, Abu Hayyan (1993). *Tafsir al-Bahr al-Muhit* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Ibn Faris, A. (1997). *Al-Sahibi fi Fiqh al-Lughah al-Arabiyyah wa Masa'iluha wa Sunan al-Arab fi Kalamiha* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Ibn al-Anbari, A. (1959). *Nuzhat al-Alibba' fi Tabaqat al-Udaba'*. Baghdad: Al-Ma'arif.
- Ibn al-Su'ud, M. (n.d.). *Irshad al-Aql al-Salim ila Mazaya al-Kitab al-Karim*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Al-Isfahani, Al-Raghib (2019/1398 SH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* (M. Bandarrigi et al., Trans.; 1st ed.). Tehran: Eslami.
- Ibn al-Jawzi, A. (2002). *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir* (1st ed.). Beirut: Dar Ibn Hazm.
- Ibn Hisham al-Ansari, A. (2000/1421 AH). *Mughni al-Labib 'an Kutub al-A'arib* (1st ed.). Kuwait: National Council for Culture, Arts and Letters.
- Abu Haqqah, A. (1996). *Al-Balaghah wa al-Tahlil al-Adabi* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Ibn Taghribirdi (Atabaki), J. (1935). *Al-Nujum al-Zahirah fi Muluk Misr wa al-Qahirah*. Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyyah.
- al-Jawziyyah, Ibn Qayyim. (n.d.). *Al-Fawa'id al-Mushawwiq ila Ulum al-Qur'an wa 'Ilm al-Bayan*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Amani, R., et al. (2016/1395 SH). *Aesthetics of the Qur'an with an Emphasis on Fronting and Delay in Qur'anic Verses*. Paper presented at the National Conference on the Miraculous Nature of the Holy Qur'an.
- Baziq, O. (1998). *Sharh al-Risalah al-Shafiyah fi I'jaz al-Qur'an al-Karim* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ma'mun lil-Turath.
- Al-Tunisi, Z. (1985). *Al-Mu'jam fi al-Nahw wa al-Sarf* (4th ed.). [n.p.].
- Al-Juwayni, M. (1985). *Al-Balaghah al-Arabiyyah: Ta'sil wa al-Tajdid*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Al-Jurjani, A. (2000). *Dala'il al-I'jaz* (3rd ed.). Cairo: Maktabat al-Khanji.
- Hasan Abbas, F. (1997). *Al-Balaghah: Fununuha wa Afnanuha* (4th ed.). Jordan: Dar al-Furqan.
- Al-Zamakhshari, M. (2012/1434 AH). *Asas al-Balaghah* (1st ed.). Qom: Dhawi al-Qurba.
- Al-Zarkashi, B. (2006). *Al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Hadith.
- Al-Sakkaki (1987). *Miftah al-'Ulum* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Sibawayh (1988). *Al-Kitab* (3rd ed.). Cairo: Maktabat al-Khanji.
- Al-Sadis, A. (2016/1437 AH). Fronting and Delay in the view of Abd al-Qahir al-Jurjani in his two books *Al-Asrar* and *Al-Dala'il*. *Journal of Arabic Sciences*, Issue 39, Imam Muhammad ibn Saud Islamic University, Saudi Arabia.
- Tabataba'i, M. H. (1995/1374 SH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (S. M. B. Musavi Hamadani, Trans.). Qom: Eslami.
- Al-Tabari (1994). *Jami' al-Bayan 'an Ta'wil Ay al-Qur'an* (1st ed.). Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Al-Tayyar, M. (2001/1422 AH). *Al-Tafsir al-Lughawi lil-Qur'an al-Karim* (1st ed.). Saudi Arabia: Dar Ibn al-Jawzi.
- Al-Tusi (1996/1417 AH). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
- Fakhr al-Razi, M. (1981). *Al-Tafsir al-Kabir* (Vol. 29, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Firuzabadi, M. (2005). *Al-Qamus al-Muhit* (8th ed.). Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Al-Qurtubi (2006). *Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an*. Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Qureshi, A. A. (2017/1396 SH). *Qamus Qur'an* (14th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Tash Kubra Zadeh (1985). *Miftah al-Sa'adah wa Misbah al-Siyadah fi Mawdu'at al-'Ulum* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Kawaz, M. (2007/1386 SH). *Stylistics of the Rhetorical Miraculousness of the Qur'an* (S. H. Seyyedi, Trans.; 1st ed.). Tehran: Sokhan.
- Al-Mawardi (n.d.). *Al-Nukat wa al-Uyun* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
- Muhammad Ismail (2023/1402 SH). *From Sibawayh to Abd al-Qahir al-Jurjani* (M. Karami & Z. Shad, Trans.; 1st ed.). Tehran: Negah-e Moaser.

- Moradi, M. H., & Kazemi, F. (2016/1395 SH). The implication of fronting and delay in the context of negation and affirmation from the perspective of Abd al-Qahir al-Jurjani. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric, University of Tehran*, 5(1), 91–109.
- Memari, D., et al. (2023/1402 SH). Fronting and delay of paired nouns in the Holy Qur'an and their role in the signification of the verses. *Journal of Islamic Literature Studies, University of Kurdistan*, 2(3), 113–137.
- Mughniyah, M. J. (2018/1397 SH). *Al-Tafsir al-Kashif* (M. Danesh, Trans.; 4th ed.). Qom: Bustan-e2018/1397 SH). *Al-Tafsir al-Kashif* (M. Danesh, Trans.; 4th ed.). Qom: Bustan-e Ketab.
- Na'al, M. F. (2008/1429 AH). *Mawsu'at al-Alfaz al-Qur'aniyyah* (Encyclopediasir Hada'iq al-Rawh wa al-Rayhan fi Rawabi 'Ulum al-Qur'an* (1st ed.). Beirut: Dar Tawq al-Najah.
- Yaqut, M. S. (1991). *Al-Sarf al-Ta'limi wa al-Tatbiq fi al-Qur'an al-Karim* (1st ed.). Kuwait: Maktabat al-Manar al-Islamiyyah.